

چرایی تحقق‌پذیری ضعیف مدیریت مشارکتی آبیاری در ایران

پژوهشی بر مبنای تحلیل محتوی

فاطمه عسکری بزایه^{۱*}، دکتر حسن افراخته^۲، دکتر اصغر طهماسبی^۳

دکتر فرهاد عزیزپور^۴، دکتر داریوش فتح‌الله‌طالقانی^۵

چکیده

مدیریت مشارکتی آبیاری به‌عنوان رویکردی برای افزایش بهره‌وری آب کشاورزی و کاهش هزینه‌های مدیریت دولتی، از دهه ۱۳۷۰ ه.ش در ایران همپا با روندهای جهانی مورد توجه قرار گرفته و اجرای آن با فرازونشیب‌هایی همراه بوده است. در این پژوهش تحلیلی- کاربردی با رویکرد پس‌رویدادی، تحقق‌پذیری ضعیف مدیریت مشارکتی آبیاری در ایران از طریق تحلیل محتوای پژوهش‌های انجام‌گرفته در داخل کشور و اسناد بالادستی مرتبط، مورد بررسی قرار گرفته است. برای انجام این پژوهش، منابع موجود در زمینه مدیریت آبیاری مشارکتی از پایگاه‌های معتبر تا حد ممکن شناسایی و تعداد ۳۸ منبع مورد بررسی قرار گرفت و از نرم‌افزار Atlas.ti7 برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شد. تجزیه و تحلیل یافته‌ها حاکی از وجود ۱۲ حیطه از موانع و مشکلات بر سر راه اجرای مدیریت مشارکتی آبیاری در سطح ایران است که سیاست‌های کشاورزی نامناسب و مشارکت‌زدا، غفلت از تدابیر بسترسازی و برنامه‌ریزی، تسلط فرهنگ‌های تنگ‌نظرانه و برقراری جو بی‌اعتمادی، فقدان حمایت‌های مالی- اعتباری، ساختار دولتی متمرکز و مقاومت‌گرا، ضعف اطلاع‌رسانی و کمبود اطلاعات، قوانین و مقررات بازدارنده، عدم شفافیت و ابهام در ماهیت و نحوه اجرای مدیریت مشارکتی آبیاری، وجود ناهماهنگی بین بهره‌برداران و دستگاه‌های اجرایی، محدودیت‌های سخت‌افزاری و اقلیمی، ناسازگاری و انعطاف‌ناپذیری رویه‌های مدیریتی اعمال‌شده و کارکنان غیرماهر و ناکارآمد دست‌اندرکار را شامل می‌شود. در پایان، راهکارهایی برای گذار از وضعیت فعلی و تسهیل اجرای مدیریت مشارکتی آبیاری ارائه شده است.

جغرافیا و توسعه، شماره ۵۷، زمستان ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۰۶

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۲۰

صفحات: ۱۱۱-۱۳۲



واژه‌های کلیدی:

مدیریت مشارکتی آبیاری، تحلیل محتوی، ایران.

مقدمه

کاهش یافته و درعوض تشکل‌های محلی مصرف‌کنندگان آب، اختیار مدیریت بهره‌برداری و نگهداری شبکه را در دست می‌گیرند. دولت‌ها (در سراسر جهان) برای انتقال مسئولیت‌های مدیریت به کشاورزان به دلایلی اشاره می‌کنند که عمده‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ناتوانی دولت برای سرمایه‌گذاری در مدیریت آبیاری، بهره‌برداری و نگهداری، ناتوانی دولت برای جبران هزینه‌های بهره‌برداری و نگهداری سیستم‌های آبیاری، مدیریت کم‌بازده و سرانجام افزایش اعتماد به نفس

بر اساس آمارهای اعلام‌شده از سوی نهادهای بین‌المللی، بین توان تأمین آب و شدت تقاضا برای آب در جهان، شکافی وجود دارد که بحران‌آفرین است. مطالعات سازمان ملل متحد حاکی از آن است که کمبود آب مشکلی جدی در خاورمیانه است (خیابانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۳). واگذاری مدیریت آبیاری به مصرف‌کنندگان آب یک حرکت جهانی است که در روند تکوین آن، نقش دولت‌ها در امر بهره‌برداری و نگهداری شبکه‌ها

۱- محقق، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی گیلان، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، رشت، ایران (نویسنده مسئول)
۲- استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
۳- استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
۴- استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
۵- دانشیار مؤسسه تحقیقات اصلاح و تهیه بذر چغندر، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، کرج، ایران

f.askari@areo.ir
afrahkhteh@khu.ac.ir
asghar@khu.ac.ir
azizpou@khu.ac.ir
d.taleghani@areo.ac.ir

کشاورزان و بخش خصوصی برای تقبل مدیریت نظام آبیاری (قناعت و همکاران، ۱۳۹۲: ۱). از این رو، از اواخر دهه ۱۹۸۰، موضوع واگذاری مدیریت شبکه‌های آبیاری به آبران در سطح جهانی به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته است، تا آنجا که این موضوع در بیشتر کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین به یک سیاست ملی تبدیل شده است (نجفی و شیروانیان، ۱۳۸۵: ۵۵). با به دست گرفتن وظایف بهره‌برداری و نگهداری پروژه‌ها توسط دولت و کنار گذاشتن کارگزاران محلی و بهانه‌دادن و بی‌توجهی به نیروهای فعال منطقه که به‌راحتی می‌توانستند بهره‌برداری و نگهداری این تأسیسات را انجام دهند، دولت ناچار شد بار سنگین هزینه‌های سرمایه‌گذاری، بهره‌برداری و نگهداری آن‌ها را به‌دوش بکشد. این فرایند اگرچه اقتدار دولت را به همراه داشت، ولی مشکلات فراوانی گریبان‌گیر شبکه‌های آبیاری و زهکشی و منابع آب‌های زیرزمینی شد. به‌طوری‌که هم‌اکنون در شبکه‌های آبیاری و زهکشی کشور، بیشتر کشاورزان ذی‌نفع و آبران، بدون داشتن سازمان مدیریتی-اجرایی مشخص و شناخته‌شده، تنها در حد دریافت‌کننده خدمات نقش‌آفرینی می‌کنند و سازمان‌های دولتی (در سطوح مختلف صنعت آب) در نقش دست‌اندرکار مدیریت این شبکه‌ها، خدمات مورد نیاز ذی‌نفعان اصلی را فراهم می‌کنند (مختاری، ۱۳۹۴: ۶۲۴).

در ایران، دهه ۱۳۴۰ را می‌توان منشأ دگرگونی‌های بزرگی در کشاورزی دانست. اصلاحات ارضی که در اوایل این دهه آغاز شد، ساختارهای اجتماعی و مناسبات اقتصادی روستاهای کشور را که در قالب سازمان‌های سنتی شکل گرفته بود، دگرگون ساخته و پایه‌های کشاورزی سنتی را تحت‌تأثیر قرار داد. از سوی دیگر سرمایه‌گذاری‌های عظیم دولت در مناطق مستعد کشاورزی که در قالب ساخت سدهای بزرگ و شبکه‌های آبیاری و زهکشی وسیع به انجام رسید، عملاً چهره کشاورزی کشور را تغییر داد. از این مقطع

به بعد، شاهد تضعیف تدریجی الگوهای مشارکتی در سطح روستاها هستیم، زیرا برنامه‌های توسعه روستایی به‌نوعی با الگوهای همکاری‌های سنتی هم‌خوانی نداشت (توتونچی و عمانی، ۱۳۸۹: ۱). با نگاهی به سیر تاریخی تدوین قوانین و آیین‌نامه‌های مرتبط با آب، در می‌یابیم که به تدریج از اختیارات کشاورزان کاسته شده و به مسئولیت‌های دولت افزوده شده است (شیخ‌حسینی و همکاران، ۱۳۸۵: ۴۵).

اقدامات عملی در ارتباط با انتقال مدیریت آبیاری در ایران، به اوایل دهه ۱۳۷۰ برمی‌گردد. در سال‌های میانی برنامه ۵ سال اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۷۳-۱۳۶۹)، مشکل توسعه شبکه‌های آبیاری، تکمیل شبکه‌های فرعی زیردست سدهای بزرگ، مشکلات بهره‌برداری و نگهداری شبکه‌های آبیاری، خصوصی‌سازی و... زمینه‌هایی برای توجه به حل مسئله شبکه‌های آبیاری فراهم کرده بود. در آن ایام، عنوان انتقال مدیریت آبیاری در ایران چندان مطرح نبود، ولی دو اقدام جدی به‌منظور کاهش تصدی‌گری دولت در شبکه‌های آبیاری و زهکشی، با این موضوع در ارتباط مستقیم بود. ۱- ایجاد شرکت‌های بهره‌برداری در جهت خصوصی‌سازی ۲- ایجاد تشکل‌های آبران در راستای ماده ۵ آیین‌نامه مصرف بهینه آب کشاورزی. از این زمان به بعد، در استان‌های مختلف کشور، اقدامات متعددی در زمینه مشارکت کشاورزان در مدیریت سامانه‌های آبیاری انجام گرفت. به‌عنوان مثال، در استان گیلان به‌عنوان استان‌های آزمایشی (پایلوت) از سال ۱۳۸۴ پیاده‌سازی مدیریت مشارکتی آبیاری از طریق ایجاد سه تشکل آبران در سه روستای پیشاهنگ (سیاه‌گوراب بالا، رودپیش و کیاسرا) آغاز شد و مقرر شده بود که در سال‌های بعدی حدود ۳۰ روستا در سطح شبکه (۱۰ روستا در هر یک از نواحی آبیاری) برای ایجاد تشکل‌های آبران انتخاب شود که بنا به

محصول؛ تعمیر و نگهداری به‌موقع سامانه‌های آبیاری؛ جمع‌آوری آب‌بها و ترویج فعالیت‌های اجتماعی از جمله آن‌ها است. از طرف دیگر، به محدودیت‌ها و مشکلاتی برای انجام مدیریت مشارکتی در کشورهای منتخب اشاره شده‌است، که دانش ناکافی کارگزاران و همچنین کشاورزان دربارهٔ انتقال مدیریت، هماهنگی محدود بین سازمان‌های کشاورزان، ناکافی بودن حمایت دولتی و توزیع قدرت، نارسایی‌ها در ساز و کارهای قانون‌گذاری و نظارتی، فقدان انگیزه برای کارکنان سازمان‌های دولتی برای مشارکت مؤثر در فرایند انجام مدیریت مشارکتی آبیاری، مشکلات قیمت‌گذاری آب و در نتیجه کاهش سود کشاورزان را شامل می‌شود. (5: APO, 2002). بیرادار، موضوع مدیریت مشارکتی آبیاری در کشور هندوستان را با هدف بازسازی فرایندهای مداخله‌ای اجرای مدیریت مشارکتی آبیاری از منظر کنشگران، نظریهٔ اقدام جمعی، نهادسازی و مفاهیم ساختار سازمان مورد بررسی قرار داده است. نتایج این مطالعه حاکی از این امر است که در فرایند انجام مدیریت مشارکتی آبیاری در این کشور، افزایش آمار تعداد سازمان‌های کشاورزان برای آبیاری مهم‌تر از کیفیت عملکردی این فرایند در نظر گرفته شده‌است (2: Biradar, 2012). گارسس-رستریپو و همکاران، فرایند و نتایج انتقال مدیریت آبیاری را در ۵۷ کشور مورد بررسی قرار دادند و ضمن آسیب‌شناسی‌های خاص هر کشور، خاطرنشان کردند که انتقال مدیریت آبیاری یک رویکرد برای انجام اصلاحات در بخش آبیاری است که برای رسیدن به اهداف تعیین‌شده، می‌بایست طیف وسیعی از تغییرات شامل نرم‌افزاری و سخت‌افزاری را متحمل شود. از نظر آن‌ها، انجام فرایند انتقال مدیریت آبیاری نیازمند تعهد سیاسی قدرتمند، گفت‌وگو بین دست‌اندرکاران و توسعهٔ بلندمدت ظرفیتی است (Garces-Restrepo et al, 2007a: 64).

بررسی‌های انجام‌شده، به‌دلیل عدم دستیابی به اهداف مورد نظر و وجود مشکلات فراوان، راکد مانده است. در حال حاضر نیز ۸ تشکل محلی (شامل ۶ تشکل ایجادشده به‌طور مستقل توسط شرکت سهامی آب منطقه‌ای گیلان و جهاد کشاورزی گیلان و ۲ تعاونی تولید روستایی با اصلاح اساس‌نامه) درگیر امر مدیریت مشارکتی آبیاری هستند که با وجود حل مسائل فنی مانند تجهیز اراضی و نصب کنتورهای تحویل آب، همچنان بلا تکلیف هستند. باید دید که تحت چه شرایطی مشارکت در مدیریت صورت می‌گیرد و چگونه می‌توان بستر مناسب برای تحقق مدیریت مشارکتی آبیاری را فراهم آورد. این کار مستلزم تجزیه و تحلیل شرایط موجود در سطح کلان و خرد است. در حقیقت ناکارآمدی فرایند گذار از مدیریت متمرکز دولتی به مدیریت مشارکتی منابع آب در ایران، مسئلهٔ اصلی این پژوهش است و تلاش می‌شود که از طریق تحلیل محتوی پژوهش‌های انجام‌گرفته در داخل کشور و اسناد بالادستی (بخشنامه‌ها، تفاهم‌نامه، دستورالعمل‌ها و...) مرتبط با مدیریت منابع آب کشاورزی عمدتاً در سطح ملی به این سؤال پاسخ داده شود که تحقق‌پذیری ضعیف مدیریت مشارکتی آبیاری در ایران احتمالاً تحت‌تأثیر چه حیطه‌ها و حوزه‌هایی است؟ در همین زمینه، سازمان بهره‌وری آسیا، گزارشی در زمینهٔ تغییرات سازمانی برای دستیابی به مدیریت مشارکتی آبیاری با مطالعهٔ ۱۳ کشور آسیایی از جمله جمهوری اسلامی ایران منتشر کرده‌است. مطابق این گزارش، تلاش‌های مدیریت مشارکتی آبیاری در کشورهای منتخب به مواردی منجر شده‌است که تغییر نگرش کشاورزان از وابستگی بیش‌ازحد به کمک‌های خارجی؛ تجربهٔ مثبت در زمینهٔ ترتیبات نهادی جدید که می‌تواند به سایر مناطق گسترش یابد؛ بهبود مدیریت آبیاری و تولید

دفاع و حفاظت از تمامیت و منافع سازمانی آن‌ها است (Suhardiman, 2008: 232). در پژوهشی با عنوان چالش‌ها و فرصت‌های اجرای برنامه حفاظت آب، بر منابع مالی پایدار، فرصت‌های آموزشی برای اجتماعات محلی، اطلاع‌رسانی عمومی، مشارکت کافی ذی‌نفعان، بازبینی و ارزیابی مجدد برنامه‌ها و دسترسی به داده‌ها/اطلاعات تأکید شده است (Wang, 2013: 60).

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع تحلیلی-کاربردی با رویکرد پس‌رویدادی است. جامعه آماری شامل مطالعات انجام‌شده در زمینه مدیریت مشارکتی آبیاری در ایران بوده و نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند انجام شده و گزاره‌ها به‌عنوان نمونه تحقیق در نظر گرفته شده‌اند. تحلیل اطلاعات به روش تحلیل محتوای کیفی و با استفاده از بسط نظام مقوله‌ای استقرایی^۱ صورت گرفته است. برای انجام این پژوهش، منابع موجود در زمینه مدیریت آبیاری مشارکتی تا حد ممکن شناسایی (از طریق سامانه‌های پایگاه اطلاعات جهاد دانشگاهی^۲، سامانه اطلاعات آموزشی و پژوهشی وزارت جهاد کشاورزی (فیپاک)، بانک اطلاعات نشریات کشور^۳، پایگاه اطلاعات کنفرانس‌ها (سیویلیکا) و ۳۸ منبع (شامل کتاب، مقاله پژوهشی، مقاله کنفرانسی و اسناد بالادستی) مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش از نرم‌افزار Atlas.ti7 برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شد (شکل ۱).

نرم‌افزار اطلس تی‌آی^۴ از جمله نرم‌افزارهای مناسب برای تحلیل داده‌های کیفی است. این نرم‌افزار قابلیت تحلیل طیف وسیعی از داده‌های متنی (در قالب Word, Powerpoint, Pdf, Excell) تصویری و چندرسانه‌ای را داراست. این نرم‌افزار به‌ویژه در پژوهش‌های کیفی

از نظر فاکون، نتایج ضعیف عملکرد، کنترل و خدمات برنامه‌نوسازی مدیریت آبیاری فائو، مشکل در طراحی اولیه، طراحی تقلیدی و بدون توجه به ویژگی‌های ناحیه، مشکل کنترل و اداره نظام‌ها، طراحی مبهم و نامشخص برنامه‌های اصلاحی، جدیت افراطی در راهبردهای عملیاتی، تناقض قوانین عملیاتی در سطوح مختلف، تناقض بین قوانین عملیاتی و نیازمندی‌های کشاورزان، عدم انعکاس تغییرات نیازمندی‌های کشاورزان در تغییرات سیاست‌های مدیریت نظام، کیفیت ضعیف خدمات ارائه‌شده به کشاورزان و فقدان انعطاف در همه سطوح است (Facon, 2007: 6). کانال، موضوع مشارکت در زمینه مدیریت منابع آب در کشور نپال را از منظر بسترهای توسعه‌ای مختلف بررسی کرده است. از دیدگاه وی، مدیریت محلی نیازمند اقداماتی فراتر از سطح محلی است و پویایی‌های محلی اجتماعی-سیاسی، حمایت‌های بیرونی و شبکه‌ای، سازوکارهای مناسب پاسخگویی بین کارگزاران مختلف، بیشتر از اصول طراحی شده ثابت می‌تواند به تکامل سازمانی در این زمینه کمک کند (Khanal, 2003: 7). مطالعه و مقایسه اصلاحات مدیریت سامانه‌های آبیاری در دو کشور استرالیا و هندوستان توسط پودار و همکاران، نشان می‌دهد که اصلاحات مدیریت آبیاری در استرالیا که مستقل از فرایند جهانی انتقال مدیریت آبیاری و براساس شرایط ملی صورت گرفته است نسبت به اصلاحات انجام‌شده در هندوستان که عمدتاً دستوری و در بسترهای سازمانی و قانونی مختلف تحمیل شده بود، موفق‌تر بوده است (Poddar et al, 2011: 139). سوهاردیمان، برنامه انتقال مدیریت آبیاری در اندونزی را بررسی و به این نتیجه رسیده است که سازمان‌های آبیاری اندونزی، به مدیریت مشارکتی آبیاری به‌عنوان یک تهدید برای موجودیت و بقای خود نگاه می‌کنند و جهت‌گیری سازمان‌های دولتی آبیاری عمدتاً به‌سمت

1-Induction Analysis

2-SID

3-Magiran

4-Atlas/ti: Archive for Technology, the Lifeworld & Everyday Language

در این مرحله نظریه‌پرداز مقوله‌های اولیه اطلاعات در خصوص پدیده در حال مطالعه را شکل می‌دهد. در واقع در این مرحله، داده‌ها به کوچکترین واحد خود شکسته می‌شوند و محقق با به‌کارگیری یک سیستم باز کدگذاری، خط به خط داده‌ها را بازنگری کرده و فرایندهای آن را تشخیص داده و به هر جمله کد می‌دهد. سپس تلاش می‌کند تا حداکثر کدهای ممکن را تشخیص دهد تا مطمئن شود که اطلاعات را به‌طور کامل بررسی کرده است. لازمه مرحله کدگذاری محوری، مقایسه دائمی داده‌هاست. محقق، داده‌های کدگذاری شده را با یکدیگر مقایسه کرده و با ادغام موارد مشابه، ارتباط بین خرده‌طبقات را مشخص کرده و طبقاتی با مفاهیمی جدید تشکیل می‌دهد. مرحله کدگذاری انتخابی، روند یکپارچه‌سازی و پالایش طبقات است که در نهایت محقق یک نظریه را از روابط بین مقوله‌های حاصل از مراحل قبلی، استخراج می‌کند و روابطی نظری برای پدیده ارائه می‌دهد (افراخته و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۳).

علوم اجتماعی کاربرد گسترده‌ای دارد و هدف اصلی آن تغییر شیوه‌های سنتی تفسیر متون است. کار تجزیه و تحلیل در این برنامه به‌طور مشخص در دو سطح جداگانه صورت می‌پذیرد که عبارت‌اند از سطح متنی^۱ و سطح مفهومی^۲. سطح متنی شامل طبقه‌بندی و کدگذاری متون است و سطح مفهومی به ساخت شبکه‌های مفهومی و ساختارهای فرامتنی ربط پیدا می‌کند (Muh, 1991:349).

شیوه تحلیل محتوی، تفسیر ذهنی محتوی متن است که از طریق دسته‌بندی منظم کدها و شناسایی مضامین یا الگوها انجام می‌شود (جاسمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۹). این روش، در ساده‌ترین شکل، به بیرون کشیدن مفاهیم مورد نیاز پژوهش از متن مورد مطالعه می‌پردازد؛ مفاهیمی که در قالب مقولاتی منظم، سازمان می‌یابند (تبریزی، ۱۳۹۳: ۱۰۶). در این روش، پس از جمع‌آوری داده‌ها، آن‌ها طی مراحل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی طبقه‌بندی می‌شوند. کدگذاری باز، فرایندی تحلیلی است که از طریق آن مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد آنها در داده‌ها کشف می‌شود.



شکل ۱: فرایند انجام پژوهش

تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۶

یافته‌ها

تجزیه و تحلیل ۳۸ منبع بررسی شده، حاکی از وجود ۱۲ حیطه از موانع و مشکلات در زمینه مدیریت مشارکتی آبیاری در سطح ایران است (جدول ۱). منظور از سیاست‌های کشاورزی، آن دسته از مداخلاتی است که دولت‌ها در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه با اهداف مختلفی در بازارهای کشاورزی انجام می‌دهند. بخش کشاورزی در دهه‌های اخیر در بیشتر کشورهای در حال توسعه تحت تأثیر انواع سیاست‌های مداخله‌گرایانه دولت و با هدف حمایت از این بخش در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی قرار داشته است. این سیاست‌ها طیف گسترده‌ای از مداخلات را در برمی‌گیرد که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، قیمت و بازار این محصولات را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در ایران نیز، بخش کشاورزی و زیربخش‌های آن در چند دهه اخیر تحت تأثیر این سیاست‌ها قرار داشته‌اند. این مداخلات عمدتاً از طریق کنترل قیمت کالاها، اعمال سهمیه یا پرداخت یارانه بر روی نهاده‌های تولید آن‌ها - به‌ویژه از طریق اعمال نرخ‌های پایین‌تر ارز برای واردات نهاده‌ها - صورت گرفته است. تدابیر بسترسازی و برنامه‌ریزی به فراهم‌بودن فرصت‌های لازم و کافی برای آمادگی گروه‌های ذی‌ربط (دولتی و غیردولتی، ذی‌نفع و ذی‌ضرر)، برای دریافت، آموختن، تمرین کردن، به‌دور از هرگونه تعجیل و محدودسازی و با شفافیت کامل، به‌منظور جبران نقصان آگاهی و فرصت‌های نابرابر گذشته و نزدیک‌شدن به شرایطی نسبتاً برابر، از جمله پیش‌نیازهای شکل‌گیری مدیریت مشارکت‌مدار اشاره می‌کند. درباره فرهنگ‌های تنگ‌نظرانه و برقراری جو بی‌اعتمادی باید گفت که پیش‌فرض‌هایی عمده فرهنگی و ذهنی و اقتصادی در بهره‌برداران وجود دارد که آن‌ها را از قبول مسئولیت برحذر می‌دارد که حل آن در گرو وقوع تغییرات اساسی در روانشناسی

اجتماعی و دگرگونی طرز تلقی آن‌ها در این زمینه است. انتقال مدیریت آبیاری به‌تنهایی تضمین‌کننده موفقیت نخواهد بود، یا به‌عبارت صریح‌تر، معجزه نخواهد کرد و نیازمند حمایت‌های مالی و اعتباری دولت‌هاست. به‌منظور پایدارماندن مدیریت آبیاری، نباید فقط به مرحله واگذاری اکتفا کرد، بلکه باید برای سوددهی کشاورزی فاریاب برای کشاورزان نیز مبنایی اقتصادی فراهم شود. به‌منظور اطمینان‌بخش کردن سیستم‌های مدیریتی پس از واگذاری، سیاست‌های مکمل باید با برنامه‌های انتقال مدیریت توأم شود. تمایل سازمان‌های دولتی برای باقی‌ماندن به‌عنوان یک کارگزار در مدیریت مشارکتی حاکی از ساختار دولتی متمرکز و مقاومت‌گرا است. تکان‌دهنده‌ترین درس فراگرفته از تجزیه و تحلیل پروژه‌های انتقال مدیریت، مقاومت شدید نهادهای آبیاری دولتی در مقابل انتقال مدیریت آبیاری به تشکل‌های کشاورزان است. در مواردی، باور ندارند (یا فکر می‌کنند که نمی‌توانند باورداشته باشند) که کشاورزان ظرفیت قبول مدیریت شبکه آبیاری را دارند، حتی اگر نمونه‌های موفق از مدیریت شبکه‌های آبیاری توسط کشاورزان در داخل کشور وجود داشته باشد. بهبود آگاهی عمومی از طریق آموزش و اطلاع‌رسانی، نقش مهمی در پذیرش و عدم پذیرش رهیافت‌های جدید ایفا می‌کند. اجتماعی که مفهوم، اهمیت و نقش یک فناوری یا رویکرد نوین را به‌درستی درک نکرده باشد، بستری مناسب برای توسعه و رشد آن فناوری یا رویکرد نخواهد بود. به‌وجودآوردن بستری برای مدیریت مشارکتی آب نیازمند تدوین قوانین، ضوابط، مقررات جامع و شفاف در ارتباط با تشکل‌ها و انتقال مدیریت شبکه‌ها به مردم است که متضمن حقوق و منافع همه طرف‌های ذی‌نفع به‌ویژه بهره‌برداران باشد. درباره عدم شفافیت و ابهام در ماهیت و نحوه اجرای مدیریت مشارکتی آبیاری، می‌بایست خاطر نشان کرد

امکانات فنی و ابزار تخصصی مانند: ابزار اندازه‌گیری آب کانال‌ها و زهکش‌ها در مقاطع مختلف، انواع مالکیت‌های موجود در اراضی تحت پوشش و اندازه زمین‌های کشاورزی و توزیع نامناسب مکانی و زمانی بارش‌ها نشان‌دهنده محدودیت‌های سخت‌افزاری و اقلیمی است. در ارتباط با ناسازگاری و انعطاف‌ناپذیری رویه‌های مدیریتی اعمال‌شده، باید گفت که مدل مشارکتی بایستی برای شرایط محلی مناسب باشد نه این که یک سیستم ثابت و استاندارد از بالا تحمیل شود. اجرای مدیریت مشارکتی آبیاری فقط با وجود نیروهای کیفی و کارآمد که دارای دانش فنی مناسب و تجربه کافی باشند و شیوه بهره‌برداری علمی بهره‌برداری اصولی از آب را بدانند، قابل تحقق است.

که سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط هنوز تصویر روشنی از ماهیت مدیریت مشارکتی آبیاری و جایگاه واقعی شکل‌های آب‌بران و نقش آن در مدیریت آبیاری ندارند. عدم ارتباط بین حوزه‌های مختلف طراحی، اجرا و بهره‌برداری شبکه‌های آبیاری و زهکشی، از جمله چالش‌هایی است که اهمیت توجه به مدیریت ارتباطات سازمانی را بیش‌ازپیش برجسته می‌سازد و به بروز مشکلی به‌نام ناهماهنگی بین بهره‌برداران و دستگاه‌های اجرایی می‌انجامد. موضوعات مهمی نظیر: ایجاد و توانمندسازی شکل‌های مردمی، برآورد نیاز آبی محصولات کشاورزی، افزایش بهره‌وری آب کشاورزی، موضوعات تحقیقاتی آبیاری و... که در بهره‌برداری از منابع آب و خاک حائز اهمیت هستند، مدیریت واحد و یکپارچه‌ای را می‌طلبند. کمبود

جدول ۱: حیطه‌های تأثیرگذار بر تحقق‌پذیری مدیریت مشارکتی آبیاری در ایران براساس تحلیل محتوی

ردیف	حیطه	تعداد واحد معنایی ثبت‌شده
۱	سیاست‌های کشاورزی نامناسب و مشارکت‌زدا	۵۰
۲	غفلت از تدابیر بسترسازی و برنامه‌ریزی	۳۸
۳	تسلط فرهنگ‌های تنگ‌نظرانه و برقراری جو بی‌اعتمادی	۳۷
۴	فقدان حمایت‌های مالی - اعتباری	۳۲
۵	ساختار دولتی متمرکز و مقاومت‌گرا	۳۱
۶	ضعف اطلاع‌رسانی و کمبود اطلاعات	۳۰
۷	قوانین و مقررات یازدارنده	۲۵
۸	عدم شفافیت و ابهام در ماهیت و نحوه اجرای مدیریت مشارکتی آبیاری	۲۳
۹	وجود ناهماهنگی بین بهره‌برداران و دستگاه‌های اجرایی	۲۰
۱۰	محدودیت‌های سخت‌افزاری و اقلیمی	۱۸
۱۱	ناسازگاری و انعطاف‌ناپذیری رویه‌های مدیریتی اعمال‌شده	۱۴
۱۲	کارکنان غیرماهر و ناکارآمد دست‌اندرکار	۷
	مجموع	۳۲۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

حیطه ۱: سیاست‌های کشاورزی نامناسب و مشارکت‌زدا حیطه سیاست‌گذاری با ۵۰ جمله یا بند ثبت‌شده شامل کلیدواژه‌های یارانه انرژی، نرخ بهره، سیاست خودکفایی مواد غذایی، سیاست‌های اعتباری،

در شرح زیر به پاره‌ای از گزاره‌ها اشاره می‌شود که در مطالعات مورد بررسی به‌عنوان واحد مبنا و برای رسیدن به حیطه‌های ارائه‌شده در جدول ۱ مورد استفاده قرار گرفته است.

انحصاری بودن تصمیمات، عدم یکپارچگی اقتصادی و... بیشترین مواردی بودند که به عنوان مشکلات تحقق مدیریت منابع آب کشاورزی مورد اشاره قرار گرفته‌اند. بررسی سیاست‌های دولت در بخش کشاورزی نشان می‌دهد که کاستی‌هایی به عنوان آسیب‌های موجود در گستره مدیریت منابع آب وجود دارد. ناهماهنگی سیاست‌های اعتباری بخش کشاورزی یکی از این کاستی‌ها است. در خصوص تأثیر سیاست‌های کشاورزی بر مدیریت منابع آب، مختاری (۱۳۹۴) می‌گوید:

«سیاست‌های اعتباری یکی از پرچالش‌ترین سیاست‌ها در بخش کشاورزی در این دهه‌ها بوده‌است. مشکل اساسی سیاست‌های اعتباری بخش کشاورزی، ناهماهنگی آن با سایر سیاست‌هاست. بانک کشاورزی سکان‌دار و متولی این سیاست‌ها بوده‌است. تصمیم‌ها در هیئت‌مدیره این بانک گرفته شده‌است. به‌واقع، سیاست‌های اعتباری در ایران به‌صورت یک بخش جداگانه بر اقتصاد کشاورزی ایران تأثیر گذاشته است، چون هیچ دستگاهی درستی یا نادرستی فناوری‌ها را تعیین نکرده است، ولی بانک کشاورزی پرداخت تسهیلات به آن فناوری را در فهرست پرداخت‌هایش قرار داده است.»

وی به برجسته‌ترین بسته‌های سیاستی مرتبط با آب و خاک در این بانک در دهه‌های اخیر اشاره کرده است که تسهیلات خرید ماشین‌آلات کشاورزی به‌ویژه تراکتور و کمباین، گسترش آبیاری تحت فشار که منجر به حفظ سطح زیر کشت و ذخیره آب نشده‌است، تسهیلات طرح طوبی که فراتر از توانش منابع آب زیرزمینی بوده‌است، تسهیلات ساخت سردخانه و صنایع غذایی، تسهیلات بخش دامپروری و تسهیلات سرمایه در گردش واحدهای تولیدی بخش کشاورزی را شامل می‌شود. مشکل اینجاست که از بهره‌برداران یا اتحادیه‌ها و تشکل‌های بهره‌برداران منابع آب

در خصوص طرح‌ریزی و ضرورت یا نبود ضرورت و همین‌طور آسیب‌های برآمده از این سیاست‌ها پرسیده نمی‌شود و استفاده نادرست و غیربهبود تولیدکنندگان از این تسهیلات می‌تواند مشکل مدیریت منابع آب را دوچندان کند. سیاست‌های مربوط به قیمت آب کشاورزی به‌عنوان بخش مهمی از سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی منابع آب و مدیریت تقاضا، حائز اهمیت است؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد که عدم بهره‌برداری کافی از منابع موجود کشاورزی، علاوه بر کند کردن روند توسعه کشاورزی، باعث زیان‌هایی نیز در آینده خواهد شد؛ بنابراین برای جلوگیری از بحران، باید به سمت مدیریت تقاضای منابع آب کشاورزی حرکت کرد. اجرای نظام بهره‌وری مناسب و قیمت‌گذاری نهاده آب کشاورزی در ساختار مدیریت منابع کشاورزی کشور یکی از راه‌های توصیه شده است.

حیطه ۲: غفلت از مقدمات و ترجیحات بسترسازی و برنامه‌ریزی حیطه بسترسازی با ۳۸ جمله یا بند ثبت شده شامل کلیدواژه‌های بسترسازی، بی‌توجهی به مقدمات، شتاب زدگی، ضعف در فرهنگ‌سازی، عدم انجام مطالعات اجتماعی، برنامه‌ریزی، تدوین برنامه و دستورالعمل‌ها در جایگاه دوم مشکلات مدیریت مشارکتی آبیاری قرار دارد. فراهم بودن فرصت‌های لازم و کافی برای آمادگی گروه‌های ذی‌ربط (دولتی و غیردولتی، ذی‌نفع و ذی‌ضرر)، برای دریافت، آموختن، تمرین کردن، به‌دور از هرگونه تعجیل و محدودسازی و با شفافیت کامل، به‌منظور جبران نقصان آگاهی و فرصت‌های نابرابر گذشته و نزدیک شدن به شرایطی نسبتاً برابر از جمله پیش‌نیازهای شکل‌گیری مدیریت مشارکت‌مدار است. در این چنین فضایی، آگاهی اقشار مختلف به نحو مطلوبی بهبود می‌یابد و فرصت‌های جدیدی برای گسترش منابع معیشتی فراهم می‌شود.

سوم مشکلات مدیریت مشارکتی آبیاری قرار دارد. مشارکت کشاورزان در مدیریت منابع آب کشاورزی فقط یک مسئله فنی و اقتصادی نیست و یک سری محدودیت‌ها و موانع پیچیده فرهنگی-اجتماعی وجود دارند که می‌بایست مورد ملاحظه قرار گیرند. منابع طبیعی، صرفاً طبیعی نیستند، بلکه همچنین ساخت‌های اجتماعی هستند که می‌توانند نه تنها از طریق نهادها، بلکه از طریق سایر اشکال زندگی اجتماعی مشاهده شوند. به‌طور کلی برای ساختن فرایندهای مستحکم برای استخراج و بهره‌برداری هر نوع منبع طبیعی، مقدار معینی از اجماع اجتماعی مورد نیاز است که فرایند مدیریت آن را آسان می‌کند و پس از یک دوره زمانی، این اجماع به عرف و عادت (سنت) تبدیل می‌شود. پیش‌فرض‌های عمده فرهنگی و ذهنی و اقتصادی در بهره‌برداران وجود دارد که آن‌ها را از قبول مسئولیت برحذر می‌دارد که حل آن در گرو وقوع تغییرات اساسی در روانشناسی اجتماعی و دگرگونی طرز تلقی آن‌ها در این زمینه است. برای توسعه پایدار منابع پرارزش آب در سطح جهان، انجام تغییراتی در رهیافت‌ها و رفتارها ضروری است؛ چراکه تغییر اجزای اجتماعی و قانونی سامانه‌های مدیریت منابع آب اغلب نیاز به تغییر روش فکر کردن و عمل کردن افراد دارد. در مطالعات حیدری و همکاران (۱۳۸۸) بر اتفاق نظر زارعان در انتخاب مدیر و هماهنگی پیوسته با او تأکید شده است:

«متأسفانه فرهنگ تنگ‌نظرانه‌ای که معمولاً در روستاها حاکم است، به‌شکلی است که با کوچکترین درگیری قومی و محلی و حتی خانوادگی، اتفاق نظر آن‌ها از بین رفته و نفاق و طرد یکدیگر جانشین آن می‌شود و این موضوع در مواردی که یک کانال آبیاری دو یا چند روستا را آبیاری می‌کند، تشدید می‌شود.»

از این طریق اعتمادسازی، امنیت شغلی و سرمایه‌ای، سودآوری مشارکت، انگیزه‌های واقعی در جهت بهره‌برداری پایدار از منابع، بسط و گسترش می‌یابد؛ بنابراین در فرایند آموزش در عمل، متناسب با نیازها، ضرورت‌ها، اولویت‌ها و قابلیت‌ها پدیدار و شکل می‌گیرد و مدیریت مشارکت‌مدار در جهت بهبود مدیریت، سازگاری و بهبود زیست‌مایه‌ها، توأمان سازماندهی و سامان می‌یابد؛ لذا مدیریت مشارکت‌مدار آبیاری با استفاده ابزاری یا سازماندهی جامعه محلی به شیوه عمودی نهادگذاری در جهت اجرای پروژه‌های دولتی بسیار متفاوت است. همچنین با حضور نمایشی مردم در برنامه‌های دولتی، بدون انتقال اختیارات لازم به آن‌ها تفاوت اساسی دارد.

در این ارتباط مطالعه بقایی و همکاران (۱۳۹۱) بر توانمندسازی و ایجاد آمادگی روانی در روستاییان تأکید می‌کند:

«از آنجایی که ایجاد و راه‌اندازی تشکلهای آب‌بران مستلزم توانمندسازی و ایجاد آمادگی روانی در روستاییان و افزایش قدرت تشخیص و تحلیل آنان در رابطه با منافع فردی و اجتماعی است، می‌باید قبل یا همزمان با ایجاد تعاونی‌ها، طی به‌کارگیری روش‌ها و فنون رهیافت مشارکت، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های لازم در سطح سازمان‌ها و ادارات دولتی ذی‌ربط و جامعه محلی ایجاد و ارتقا داده شود تا پس از واگذاری مدیریت به تشکلهای توانایی برنامه‌ریزی و اداره تأسیسات و گذارنده به آن‌ها را دارا باشند.»

حیطه ۳: وجود فرهنگ تنگ‌نظرانه در روستاها و برقراری جو بی‌اعتمادی در کشاورزان

حیطه فرهنگی و اجتماعی با ۳۷ جمله و بند ثبت‌شده با کلیدواژه‌هایی شامل: پایبندی به تعهدات، عرف‌های نانوشته، مشکلات فرهنگی، مشکلات اجتماعی، فرهنگ‌سازی، اعتماد، ذهنیت‌های منفی در جایگاه

موضوع قابل بحث سرمایه‌گذاری برای چگونگی نگهداری سامانه‌ها است و به‌دنبال آن تعمیرات خرابی‌ها، خسارت شبکه و همچنین در ادامه، بهسازی زودرس شبکه است که در مجموع هزینه بسیار سنگینی را بر دوش کشورها تحمیل خواهد کرد که این وضعیت معضل بسیار بزرگی بالاخص برای کشورهای فقیر یا در حال توسعه محسوب می‌شود. از نظر وی، حمایت‌ها و اقدامات زیادی در ادامه کار مورد نیاز است که دولت‌ها و مؤسسات آبیاری می‌باید به آن‌ها توجه داشته باشند. انتقال مدیریت آبیاری به‌تنهایی تضمین‌کننده موفقیت نخواهد بود، یا به‌عبارت صریح‌تر، معجزه نخواهد کرد و اگر چنانچه حمایت‌های قانونی، پشتیبانی‌های فنی و مالی، به‌علاوه ارزیابی مستمر بعد از انتقال صورت نگیرد و تشکل‌های آبران به حال خود رها شوند، باید منتظر تبعات بسیار سنگین و شاید جبران‌ناپذیری باشیم (احسانی، ۱۳۸۷: ۲۷).

در این ارتباط، فانی و همکاران (۱۳۸۸) تناسب نرخ آب‌بها با هزینه‌های بهره‌برداری و نگهداری شبکه‌ها اشاره می‌کند و در مطالعه اسلامی (۱۳۸۷) به تجربه تعاونی‌های فعال در خوزستان و الویت‌بخشی به ارائه تسهیلات و خدمات مورد نیاز تشکل‌ها اشاره شده است:

«تجربه تعاونی‌های فعال در خوزستان نشان می‌دهد که در این خصوص پشتیبانی‌های فنی، اعتباری و کارشناسی بخش دولتی به‌صورت الویت‌بخشی به ارائه تسهیلات و خدمات مورد نیاز تشکل‌ها، بررسی و اصلاح فرایندها به‌منظور تسهیل و تسریع در انجام امور، انجام برخی تغییرات آیین‌نامه‌ای داخلی و ساختاری ادارات و سازمان‌ها و اجرای برنامه‌های آموزشی، می‌تواند مؤثر و کارساز باشد.»

در این ارتباط، نجفی و شیروانیان (۱۳۸۵) تشکیل شوراهای اسلامی روستاها و نیز تأسیس تعاونی‌های تولید را به‌عنوان نقطه عطفی برای همکاری و همگرایی زارعان خاطر نشان می‌کند و مواردی از قبیل حاکم‌بودن فرهنگ تنگ‌نظرانه در روستاها، عدم اطمینان و اعتماد کشاورزان به دست‌اندرکاران و ناهمگونی در گروه آبران را به‌عنوان محدودیت‌های موجود در این زمینه مطرح می‌کند. از نظر رضوی عرب به‌علت وجود تفاوت در سطح تحصیلات، تجربه، میزان مالکیت اراضی و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی کشاورزان، شرکت داوطلبانه آن‌ها در مدیریت آبیاری کار آسانی نیست (رضوی عرب، ۱۳۸۹: ۱۷۸). در حالی که غنیان و همکاران بر استفاده از مناسبات اجتماعی و فرهنگی مختلف به‌منظور تقویت پیوند درون‌گروهی تشکل‌ها و انجام مطالعات جامعه‌شناسی در جهت شناخت بیشتر این گروه‌ها در راستای کاهش درگیری و اختلافات درون‌گروهی بر سر موضوع آبیاری خصوصاً در زمان کم‌آبی و کشف راه‌های دخالت مثبت در منازعات و اختلافات و حل‌وفصل موارد اختلافی تأکید می‌کنند (غنیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۹).

حیطه ۴: فقدان حمایت‌های مالی - اعتباری

حیطه مالی - حمایتی با ۳۲ جمله و بند ثبت شده با کلیدواژه‌های: حمایت، اعتبارات، مشکلات مالی در جایگاه چهارم مشکلات مدیریت آب کشاورزی قرار دارد. مهم‌ترین چالش در خصوص مسائل مالی سامانه آبیاری بعد از تحقق انتقال مدیریت آبیاری، جمع‌آوری وجوه کافی برای جلوگیری از تخریب سریع و زودهنگام شبکه و بالاخص بهسازی آن است. در اقصی نقاط دنیا، اصولاً بعد از احداث سامانه آبیاری،

حیطه ۵: ساختار دولتی متمرکز و مقاومت‌گرا نسبت به تفویض اختیار به بهره‌برداران

حیطه ساختار دولتی با ۳۱ جمله یا بند ثبت‌شده شامل عباراتی نظیر اصلاحات مدیریتی، چیدمان تصمیمات مدیریتی، حکمروایی آب، ناهماهنگی درونی و ذاتی، سازمان‌دهی و تشکل‌سازی، غلبه اقتصاد دولتی، مقاومت دولتی، وابستگی کشاورزان به دولت، به‌عنوان پنجمین حیطه‌ای شناسایی شده‌است که در فرایند اجرای مدیریت مشارکتی اختلال ایجاد می‌کند. در نتیجه اصلاحات ارضی در دهه ۱۳۴۰، عناصری جدید وارد حیات اجتماعی و اقتصادی روستاها شدند که مهم‌ترین آن‌ها حضور دولت‌ها و نهادهای دولتی بود. بررسی عملکرد شبکه‌های آبیاری در ایران نشان می‌دهد که ضعف مدیریت نگهداری از شبکه‌های آبیاری فقط ناشی از کمبود بودجه نیست، بلکه این مشکل نیز ریشه در مسائل مدیریتی دارد. متأسفانه در اکثر شبکه‌های مدرن آبیاری کشور، کشاورزان شبکه را متعلق به دولت می‌دانند و از این‌رو بهره‌برداری و نگهداری آن را نیز از وظایف محرز دولت می‌دانند. کشاورزان درباره انجام تعمیرات شبکه بر این باورند که دولت دیر یا زود، شبکه‌های آبیاری متعلق به خود را مورد توجه قرار داده و از زوال کامل آن جلوگیری می‌کند. آنان بارها کارایی و سودمندی روش عریضه‌نویسی را در مقایسه با مشارکت مؤثر و مسئولیت‌پذیری تجربه کرده‌اند. از سوی دیگر تأمین آب توسط شرکت‌های بهره‌برداری، کشاورزان را به این باور رسانده است که دولت در هر شرایطی برای آبرسانی و تحویل آن به کشاورزان موظف است و نمی‌تواند در انجام این وظیفه کوتاهی کند (عربی و محبی، ۱۳۸۷: ۵۵).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که ساختار فعلی مدیریت آب و کشاورزی، به‌گونه‌ای نیست که فرصت لازم برای

عملی‌ساختن مدیریت مشارکتی را فراهم آورد. در این زمینه، حیدریان (۱۳۸۸) بر این باور است که: «اگرچه هر دو بخش آب و کشاورزی موظفند زمینه لازم برای انتقال مدیریت بهره‌برداری و نگهداری شبکه به جامعه محلی را فراهم کنند، ولی از نظر ساختاری، هیچ‌یک از دو بخش آب و کشاورزی، ساختار مناسبی برای پرداختن به این مهم در اختیار ندارند. از نظر وی، تغییرات باید به‌گونه‌ای باشد که فضای لازم و کافی برای حضور فعال جامعه بهره‌بردار و بخش خصوصی محلی در ساخت، بهره‌برداری و نگهداری شبکه باز کرده و فضای تعاملی بین دو بخش آب و کشاورزی را بهبود بخشد. این مهم محقق نخواهد شد، مگر با تغییرات اساسی ساختاری.»

مقاومت دولتی یکی از موارد پرشمار در ادبیات بررسی‌شده در زمینه موانع مدیریت مشارکتی آبیاری است (احسانی، ۱۳۸۷: ۲۸). در بسیاری از موارد دیده می‌شود سازمان‌های دولتی‌ای که مدیریت آبیاری را برعهده دارند، در برابر انتقال مدیریت آبیاری مقاومت می‌کنند، بالأخص در جایی که خطری برای از دست دادن شغل، موقعیت و قدرتشان احساس کنند. به‌نظر می‌رسد که اقدامات آگاه‌سازی و مذاکرات با دولتی‌ها، درباره برخی از مسائل مهم، از جمله: شغل کارکنان و درآمدشان، توزیع هزینه‌ها و مسئولیت‌ها درخصوص اجزای مختلف و همچنین آموزش کارکنان برای فعالیت‌های جدید، معرفی شیوه‌های نوین ممیزی و پایش در رفع این مقاومت‌ها تأثیرگذار باشد.

در این زمینه، معصومی (۱۳۸۹) بر این نظر است که: «انتقال مدیریت به کشاورزان، مرحله بسیار مهمی در مدیریت مشارکتی آبیاری است. معمولاً کارکنان آبیاری تمایلی به از دست دادن نفوذ و قدرت خود در سیستم ندارند.»

همچنین تمرکز بر انتقال مدیریت به عنوان یک راه حل برای رهایی از مسائل و مشکلات بهره برداری از شبکه ها و غفلت از فلسفه و مبانی رهیافت مشارکتی نیز مورد انتقاد قرار گرفته است. از نظر احمدآلی هر یک از دست اندرکاران چگونگی تحقق مدیریت مشارکتی را با لحاظ کردن معذوراتی - بعضاً ناشی از یکسونگری - در تغییر رویه های طرف دیگر جست و جو می کند و عملاً موضوع اصلی انتقال مدیریت از مسیر اصلی خود منحرف شده است (احمدآلی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵).

حیطه ۶: ضعف اطلاع رسانی، کمبود و نبود اطلاعات

حیطه آموزش و اطلاع رسانی با ۳۰ جمله و بند ثبت شده شامل: آموزش، توانمندسازی، ضعف اطلاع رسانی، کمبود و نبود اطلاعات در جایگاه ششم مشکلات مدیریت مشارکتی آبیاری قرار گرفته است. بهبود آگاهی عمومی از طریق آموزش و اطلاع رسانی، نقش مهمی در پذیرش و عدم پذیرش رهیافت های جدید ایفا می کند. اجتماعی که مفهوم، اهمیت و نقش یک فناوری یا رویکرد نوین را به درستی درک نکرده باشد، بستری مناسب برای توسعه و رشد آن فناوری یا رویکرد نخواهد بود. دهنوی (۱۳۸۹) بر ارتقای کیفی ظرفیت سازی تشکلهای تأکید می کند:

«ظرفیت های جدید جامعه روستایی در سراسر جهان، کاملاً با دانش سنتی درهم آمیخته است و درهای دنیای کشاورزی کاملاً به روی شیوه های نوینی که مفید و سودآور باشد، باز است. دوره های آموزشی اگرچه در مرحله برنامه ریزی به نظر ساده می آیند، ولی به نحو قابل توجهی می توانند به ارتقای کیفی ظرفیت سازی تشکلهای کمک کنند.»

آموزش و ظرفیت سازی از نظر توتاخانه و همکاران (۱۳۸۷) امری الزامی است. همچنین بر جلب مشارکت فعال و مؤثر کشاورزان در مدیریت

شبکه های آبیاری و زهکشی تأکید شده است که نیازمند آگاهی آنان از منافع کوتاه مدت و درازمدت این مشارکت است (جباری و جنگی مرنی، ۱۳۸۷: ۱۷). توتونچی و عمانی بر این نظرند که پایداری مدیریت مشارکتی نیازمند تغییراتی اساسی در نگرش، دانش و مهارت آبران است که لازم است از طریق ارزیابی نیازهای آموزشی آنان مورد توجه قرار گیرد (توتونچی و عمانی، ۱۳۸۹: ۷). تجربه سلیمانی و همکاران در دشت مغان بر الزام فعالیت های آموزشی برای بهره برداران حکایت می کند (سلیمانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۷۸). وجود اطلاعات و آمار مورد تأکید نیک بخت شهبازی (۱۳۸۸) است و حیدری بر داشتن اطلاعات مورد نیاز در زمینه نیروی انسانی، درآمدهای به دست آمده، برنامه توزیع آب، دستورالعمل نحوه مدیریت آب و تقسیم و توزیع آن بین بهره برداران تأکید می کند که از نظر وی به عنوان دومین عامل تأثیرگذار در موفقیت یک انجمن آبران معرفی شده است (حیدری، ۱۳۸۹: ۲۹).

حیطه ۷: قوانین و مقررات بازدارنده

حیطه قوانین و مقررات با ۲۵ جمله یا بند ثبت شده شامل کلیدواژه های: محدودیت های قانونی، جایگاه تشکلهای آبران، ابهام در مالکیت، تکلیف واگذاری در جایگاه هفتم محدودیت ها و مشکلات مدیریت مشارکتی آبیاری قرار دارد. قوانین آب ملاک عمل در هر کشوری مهم ترین ابزاری است که به واسطه آن امکان عملیاتی شدن سیاست ها در زمینه مدیریت منابع آبی میسر می شود. حال اگر خلأ و ابهامی در این قوانین موجود باشد، بر نتایج همه فعالیت ها تأثیر می گذارد. موانع متعددی در کشور ما در ارتباط با انتقال مالکیت شبکه های آبیاری و زهکشی به تشکلهای آبران وجود دارد؛ از جمله این موانع، عدم تمایل کشاورزان و تصدی گری دولت در بهره برداری و

مادر در بخش آب، یک نگاه یک‌سویه به کشاورزان وجود دارد و در این قانون دولت در جایگاه بخش مسلط حکمروایی آب قلمداد شده‌است. سایر قوانین توسعه کشور یا قانون‌های موضوعه آب نیز هیچ زمینه جدی‌ای برای واگذاری اختیارات به جامعه کشاورزان در نظر نگرفته‌اند.»

از نظر کشاورز و دهقانی سانچ (۱۳۸۸) مدیریت انتقال زیرساخت آبیاری به کشاورزان در جایی موفق است که حقوق آبی کشاورزان مشخص بشود، حمایت منطقی برای سازمان‌ها و بنگاه‌های کشاورزان وجود داشته باشد، زیرساخت‌های لازم برای مدیریت غیرمتمرکز طراحی شده باشد و شرایط مالکیت زیرساخت‌ها نیز شفاف باشد.

حیطه ۸: عدم شفافیت و سردرگمی در ماهیت و نحوه اجرای مدیریت مشارکتی آبیاری

حیطه شفافیت و عدم‌ابهام با ۲۳ جمله و بند ثبت‌شده و کلیدواژه‌های: شفافیت و سردرگمی در جایگاه هشتم مشکلات مدیریت مشارکتی آبیاری قرار دارد. عربی و محبی (۱۳۸۷) بر اختلاف بین کشاورزان و نهادهای دولتی به دلیل وجود ابهام‌های مالکیتی و عدم‌استقرار و ثبات مالکیت اشاره می‌کند. در این ارتباط، بلالی و همکاران (۱۳۹۰) بر پایین بودن سطح شفافیت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی سیستم بروکراسی و کلیت جامعه اشاره می‌کند که از جمله عواملی است که نگاه کارشناسانه در زمینه مدیریت منابع را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. درحالی که مهم‌ترین مشکل یا مسئله از نظر احسانی (۱۳۸۷)، عدم‌شفافیت در حمایت‌های مالی و فنی دولت قرار دارد که قرار است بعد از انتقال مدیریت آبیاری برای تشکل‌های آب‌بران تأمین شود و توتاخانه و همکاران (۱۳۸۷) که شبکه صوفی چای را مطالعه کردند، می‌گویند در ابتدای طرح موضوع مشارکت بهره‌برداران در ساخت

نگهداری از شبکه‌های آبیاری است، اما اصولاً واگذاری شبکه‌های آبیاری مستلزم داشتن زمینه قانونی است که متأسفانه نه در قانون توزیع عادلانه آب و نه در آیین‌نامه‌های مرتبط با آن، بحثی از انتقال مالکیت شبکه‌های آبیاری به بخش خصوصی نشده‌است؛ در صورتی که واگذاری مدیریت آبیاری به بخش غیردولتی وقتی کامل است که توأم با واگذاری مالکیت شبکه‌های آبیاری و زهکشی باشد. در این زمینه، فانی و همکاران (۱۳۸۸) بر ناهمخوانی قوانین موضوعه آب تأکید می‌کنند. همچنین، از روشن نبودن جایگاه قانونی و حقوقی تشکل‌ها انتقاد شده‌است و شیخ حسینی و همکاران (۱۳۸۵) تجربه خود در دشت قزوین را مثال می‌زنند:

«مشکلات ناشی از روشن نبودن جایگاه قانونی و حقوقی تشکل‌ها، هم برای سازمان‌های دولتی و هم برای کشاورزان مسئله‌ساز بوده‌است؛ از آن جمله در تشکل‌های آب‌بران قزوین می‌توان از به رسمیت شناخته نشدن آن‌ها توسط دستگاه‌های دولتی از جمله اداره کل تعاون، اداره کل ثبت اسناد استان، عدم امکان صدور سند آب به نام تشکل‌های مذکور و نبودن زمینه‌های قانونی برای حمایت‌های اداری، فنی، حقوقی و مالی از تشکل‌ها نام برد.»

توتاخانه و همکارانش (۱۳۸۷) به خلأ قانونی در مدیریت شبکه آبیاری صوفی چای اشاره می‌کند که مشکلاتی را برای تعاونی‌های آب‌بران آن به وجود آورده است. از طرفی، قانون توزیع عادلانه آب به‌عنوان یک قانون مادر در بخش آب مورد انتقاد مختاری (۱۳۹۴) قرار گرفته است. وی می‌گوید:

«در اینجا باید به‌دنبال سیاست‌هایی بود که مشارکت کشاورزان را حذف کرده است. این سیاست‌ها بیشتر در زیرمجموعه سیاست‌های ساخت سدها و گسترش شبکه‌های آبیاری و زهکشی بوده‌است. برای مثال در قانون توزیع عادلانه آب در جایگاه یک قانون

شبکه صوفی چای، قوانین شفاف و صریح وجود نداشته و با گذشت زمان در قوانین وضع شده به تشکیل و تأسیس و به‌کارگیری شکل‌ها تصریح شده‌است. همچنین، احمدآلی بر شفاف‌سازی وظایف ادارات مرتبط و توجه مسئولان محلی برای حمایت از اجرای صحیح قانون موجود و پیشنهاد اصلاح موانع قانونی تأکید می‌کند (احمدآلی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۱).

حیطه ۹: تعدد نهادهای کارفرمایی و وجود ناهماهنگی بین بهره‌برداران و دستگاه‌های اجرایی

حیطه هماهنگی و تعاملی با ۲۰ جمله یا بند ثبت‌شده با کلیدواژه‌های: تعدد نهادهای کارفرمایی، ناهماهنگی بین بهره‌برداران، ناهماهنگی دستگاه‌های اجرایی در جایگاه نهم مشکلات مدیریت آب کشاورزی قرار دارد. عدم ارتباط بین حوزه‌های مختلف طراحی، اجرا و بهره‌برداری شبکه‌های آبیاری و زهکشی، از جمله چالش‌هایی است که اهمیت توجه به مدیریت ارتباطات سازمانی را بیش از پیش برجسته می‌سازد. در بررسی عربی و محبی (۱۳۸۷) نبود هماهنگی و دوگانگی سیاست‌گذاری‌های سازمان‌های متولی مورد انتقاد قرار گرفته است:

«وجود دو سازمان متولی اجرای شبکه‌های فرعی آبیاری (شرکت سهامی آب منطقه‌ای ایلام و سازمان جهاد کشاورزی ایلام) نیز باعث ناهماهنگی در سیاست‌ها و اقدامات شده بود. این مسئله در برخی موارد موجب بروز سیاست‌گذاری‌های متفاوتی شد که کشاورزان به استناد این ناهماهنگی‌ها و تفاوت‌ها نسبت به سیاست‌های اتخاذشده موضع می‌گرفتند. بارزترین ناهماهنگی را می‌توان در موضوع تسطیح اراضی مشاهده کرد که سازمان جهاد کشاورزی انجام آن را در یکی از واحدهای عمرانی که نقش کارفرمایی را در اجرای شبکه

آبیاری فرعی به‌عهده دارد به کشاورزان وعده داده بود، ولی در سایر واحدهای عمرانی که اجرای شبکه به‌عهده شرکت سهامی آب منطقه‌ای ایلام است، انجام تسطیح در برنامه توسعه شبکه‌های آبیاری و زهکشی پیش‌بینی نشده‌است. از مهم‌ترین دلایلی که مشاور زمان فراوانی برای متقاعدکردن بهره‌برداران و جلب نظر آب‌بران برای شرکت در کارگاه‌ها (به‌خصوص کارگاه‌های توجیهی - مشورتی) صرف کرد، همین نبود هماهنگی و دوگانگی در سیاست‌گذاری‌ها بود.»

در همین ارتباط فانی و همکاران (۱۳۸۸) بر عدم اعمال مدیریت واحد، بر منابع آب و خاک اشاره می‌کنند و در بررسی سلیمانی و همکاران، نبود هماهنگی و بخشی‌نگری بین اعضای کمیته شهرستان در اجرای مفاد آیین‌نامه، به‌خصوص در تشکیل فعالیت تشکل آب‌بران و بدون متولی بودن کانال‌های آبیاری و زهکشی درجه ۳ و ۴ در شبکه مورد بررسی، مورد انتقاد قرار گرفته است (سلیمانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۸۵). همچنین، در بررسی نقشینه‌پور و اسلامی بخشی از مشکلات شرکت کشاورزی جنوب در طول دوره بهره‌برداری از تأسیسات آن، به نحوه نگرش و تعامل دستگاه‌های دولتی با آن شرکت منتسب شده‌است (نقشینه‌پور و اسلامی، ۱۳۸۷: ۹۶).

حیطه ۱۰: محدودیت‌های سخت‌افزاری و اقلیمی

حیطه محدودیت‌های سخت‌افزاری و اقلیمی با ۱۸ جمله و بند ثبت‌شده شامل کلیدواژه‌های: گستردگی شبکه، محدودیت ماشین‌آلات، نارسایی شبکه، توزیع زمانی و مکانی بارش و... در جایگاه دهم مشکلات مدیریت مشارکتی آبیاری قرار دارد. علل عمده موفق‌نشدن کامل نظام بهره‌برداری در شبکه‌های آبیاری و زهکشی نکوآباد و آبشار اصفهان در بررسی

در این ارتباط، نیک‌بخت شهبازی (۱۳۸۸) می‌گوید: «بهره‌برداری و نگهداری از شبکه‌های آبیاری در حال حاضر به‌گونه‌ای است که بین روش‌ها و عملکردهای جاری و آنچه توسط مشاوران و طراحان شبکه‌های آبیاری پیشنهاد شده‌است، تفاوت‌های زیادی وجود دارد.»

حیطه ۱۲: کمبود و نبود توانمندی‌های انسانی

حیطه منابع انسانی با ۷ جمله و بند ثبت‌شده در جایگاه دوازدهم مشکلات مدیریت آب کشاورزی قرار دارد. فانی و همکاران (۱۳۸۸) می‌گویند:

«متأسفانه شبکه‌های آبیاری و زهکشی که با هزینه‌های هنگفت، مطالعه، طراحی و اجرا می‌شوند، با هزینه‌های بسیار پایین‌تر از استاندارد مورد بهره‌برداری و نگهداری قرار می‌گیرند. اگر یک بررسی از تحصیلات و تخصص کارکنانی که در مدیریت بهره‌برداری و نگهداری شبکه‌های آبیاری حضور دارند انجام دهیم، متوجه خواهیم شد که آن کارکنان یا دارای تحصیلات پایینی بوده‌اند یا تخصص مرتبط نداشته‌اند که این دو موضوع بر کیفیت لازم خدمات تأثیر بسزایی دارد.»

غنیان و همکاران (۱۳۹۲) بر شناسایی و به‌کارگیری مدیران موفق و باسابقه در زمینه اداره تشکل آب‌بران تأکید می‌کند. میزان تخصص کارشناسان شبکه آبیاری از نظر مرتضی‌نژاد و همکاران مسأله مهمی است (مرتضی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸۹) و وجود نیروهای کیفی و کارآمد از نظر نیک‌بخت شهبازی (۱۳۸۸) مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین، پایین بودن تحصیلات عوامل بهره‌برداری شبکه و عدم آشنایی بعضی از عوامل توزیع آب با فنون بهره‌برداری و نگهداری شبکه و کمبود نیروی انسانی متخصص (سلیمانی و همکاران، ۱۳۸۸) بر محقق‌نشدن اهداف مدیریت مشارکتی آبیاری تأثیرگذار بوده‌است.

احمدآلی به گستردگی شبکه و تعداد آب‌بران منتسب شده‌است که اختلاف سلیقه‌ها را به همراه دارد (احمدآلی و رضایی، ۱۳۸۹: ۳۹۸). اجتماعی (۱۳۸۳) به محدودیت ماشین‌آلات اشاره می‌کند و توتاخانه و همکاران (۱۳۸۷) تکمیل‌نشدن شبکه‌های بهره‌برداری را به‌عنوان یکی از مشکلات عنوان کرده‌اند. این مسئله در بررسی رشتچی (۱۳۸۹) نیز مطرح شده‌است:

«در بهترین و مطلوب‌ترین شرایط (خارج از موقعیت‌های بحرانی) تحویل آب به شبکه و مزرعه زارع، غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اندازه‌گیری است. زیرا ادوات و وسایل کنترل و سنجش آب، سال‌هاست که یا از کنترل خارج شده‌اند و کارایی زمان ساخت را ندارند، یا به‌کل مستعمل شده و از منطقه خارج شده‌اند و دولت قادر به جایگزینی آن‌ها نیست.»

غنیان و همکاران (۱۳۹۲) بر تشدیدشدن مشکل زهکشی اراضی و ضعف و فرسودگی زیرساخت‌ها و تأسیسات فیزیکی شبکه آبیاری و زهکشی و مختاری (۱۳۹۴) بر توزیع نامناسب مکانی و زمانی بارش‌ها تأکید دارند.

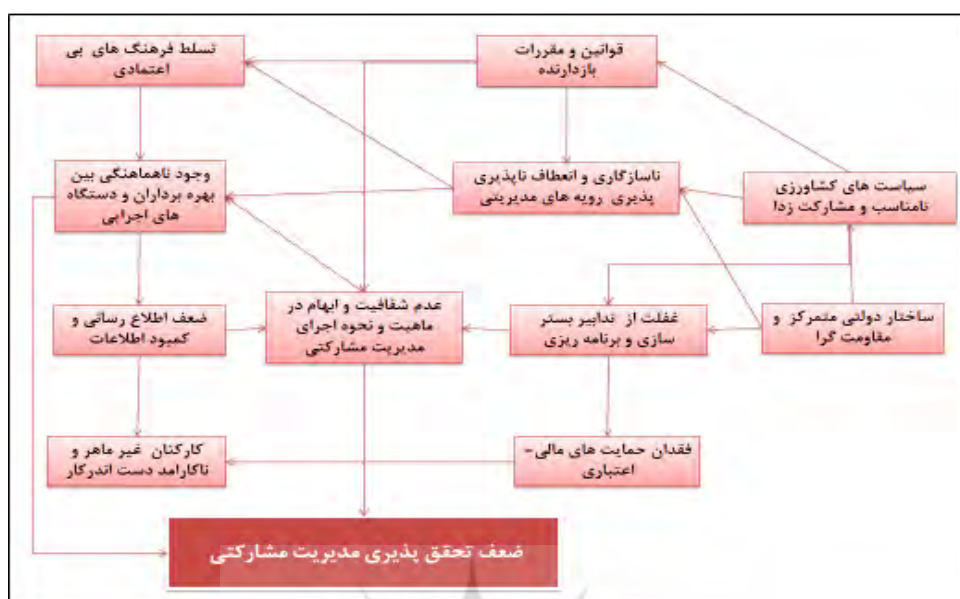
حیطه ۱۱: ناسازگاری و انعطاف‌ناپذیری رویه‌های مدیریتی اعمال شده

حیطه ناسازگاری و انعطاف‌ناپذیری با ۱۴ جمله و بند ثبت‌شده شامل کلیدواژه‌های: عدم سازگاری سیاست‌ها، عدم سازگاری ساختار، ناسازگاری مقررات در جایگاه یازدهم مشکلات مدیریت مشارکتی آبیاری قرار دارد. در این ارتباط، مختاری حصاری و نعمتی (۱۳۸۹) عقیده دارند که مدل مشارکتی بایستی برای شرایط محلی مناسب باشد، نه اینکه یک سیستم ثابت و استاندارد از بالا تحمیل شود و برای مدیریت مؤثر و پایدار مدیریت منابع آب، کهریزی (۱۳۸۹) بر مؤلفه سازگاری تأسیسات آبیاری با حقایق‌ها و ظرفیت‌های محلی مدیریتی تأکید می‌کند.

نتیجه

در شکل ۲، حیطه‌های تأثیرگذار بر تحقق‌پذیری مدیریت مشارکتی آبیاری در ایران براساس تحلیل محتوی ارائه شده‌است. همان‌گونه که در این شکل مشاهده می‌شود، ساختار دولتی متمرکز و مقاومت‌گرا (همسو با نتایج مطالعات سازمان بهره‌وری آسیا، گارسس رستروپ و سوهاردیمان) به تدوین سیاست‌های کشاورزی نامناسب و در حقیقت مشارکت‌زدا منجر شده‌است که به‌طور ناخواسته به حذف مشارکت کشاورزان، قوانین و مقررات بازدارنده (همسو با نتایج مطالعات سازمان بهره‌وری آسیا و فاکون)، رویه‌های مدیریتی ناسازگار و انعطاف‌ناپذیر (همسو با نتایج مطالعات کانال و پودار و همکاران) منجر شده‌است. در طیفی دیگر، این ساختار دولتی متمرکز از اهتمام به بسط‌سازی و برنامه‌ریزی برای جلب مشارکت کشاورزان غفلت کرده‌است و به اجرای مدیریت مشارکتی به‌عنوان یک جریان دستوری بالا به پایین و بدون توجه به ظرفیت‌های بومی نگریسته است (همسو با نتایج یافته‌های پودار و همکاران). عدم شفافیت و ابهام به دلیل فقدان شناسایی ظرفیت‌های بومی و عدم توجه به فرایند حکمروایی و عدم دخالت همه دست‌اندرکاران مدیریت منابع آب، به عدم شفافیت و ابهام در قوانین و مقررات منجر شده‌است که در برخی از موارد، چیزی که برای یک دست‌اندرکار مفید و مناسب تشخیص داده شده، برای دیگری نامناسب و بازدارنده است و

روند اجرای فرایندهای مشارکتی را با سردرگمی همراه کرده‌است (همسو با یافته‌های پودار و همکاران، فاکون و کانال). همچنین، تسلط فرهنگ بی‌اعتمادی که در منابع بررسی شده به تکرار آمده است، از یک طرف ناشی از قوانین و مقررات بازدارنده و از طرفی دیگر ناشی از انعطاف‌ناپذیری تدابیر دولتی است که به وجود ناهماهنگی بین بهره‌برداران و دستگاه‌های اجرایی و عدم شفافیت و ابهام دامن زده است. ضعف اطلاع‌رسانی و کارکنان دست‌اندرکار غیرماهر و آموزش‌نندیده (همسو با مطالعات سازمان بهره‌وری آسیا، وانگ، گارسس رستروپ) نیز می‌تواند نتیجه این ناهماهنگی بین دستگاه‌های دست‌اندرکار باشد که به‌درستی از ظرفیت‌های موجود برای ارتقای مهارت کارکنان و اطلاع‌رسانی و ارتقای آگاهی‌های بهره‌برداران اسفاده نکرده‌اند. درنهایت، می‌توان گفت که برنامه‌های انتقال مدیریت، نیازمند شرایط اولیه و محیط مناسبی است. از میان این شرایط و عوامل، سیاست‌های یارانه‌ای دولت، تأمین شغل برای کارمندان بخش دولتی پس از انتقال مدیریت، در نظر گرفتن نهادها و ساختارهای موجود و مشارکت کشاورزان باید بیشتر در نظر گرفته شود. فرایند انتقال مدیریت می‌بایست به تدریج انجام شود و اجرای آن موفقیت‌آمیزتر خواهد بود اگر قبل از انتقال مدیریت، احیا و نوسازی در شبکه انجام شود.



شکل ۲: چرایی تحقق‌پذیری ضعیف مدیریت مشارکتی آبیاری در ایران براساس تحلیل محتوی

تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۶

پیشنهادها

تعیین شرح وظایف آن‌ها متناسب با مسئولیت اجرایی، مشاوره‌ای و نظارتی.

- اطلاع‌رسانی و آشنا کردن کشاورزان با سیاست‌ها و اهداف دولت، بحران جهانی و ملی آب، ضرورت و الزامات انتقال مدیریت آبیاری به بهره‌برداران، اصول و اهداف تشکل‌ها و انجمن‌های آبیاری.

- بهبود و بازسازی تأسیسات آبیاری و زهکشی از منابع ملی، استانی و محلی، انتخاب بهینه بین احیا، ارتقا و نوسازی نظام‌های آبیاری و زهکشی.

- شفاف‌سازی و تقویت قوانین مرتبط با تخلفات منابع طبیعی (شامل آبیاری)، تقویت و حمایت از دستگاه‌های قضایی و قانون‌گذاری در زمینه نهادینه کردن مدیریت مشارکتی.

- تعریف و تعیین شاخص‌هایی برای نیازسنجی اقتصادی تشکل‌های آبیاری، برنامه‌ریزی و تخصیص منابع مالی و اعتباری متناسب با مسئولیت‌های انتقال یافته به بهره‌برداران، ایجاد میز پذیرش انتقال مدیریت آبیاری در دفاتر مرکزی بانک کشاورزی به منظور تسهیل در پرداخت‌های مالی با بهره کم برای تشکل‌های تازه تأسیس و هزینه‌کرد بودجه‌های دولتی در مسیر تحریک سرمایه‌گذاری‌های محلی.

- تقدم زمینه‌سازی و فرهنگ‌سازی بر اجرای مدیریت مشارکتی آبیاری، زیرا ادبیات بی‌شماری در این زمینه وجود دارد که تغییر از درون نظام اتفاق می‌افتد. تحمیل تصمیمات گرفته‌شده در سطح کلان و توجه اندک یا بی‌توجهی به موضوع پذیرش لایه‌های متعدد اجتماع (شامل ذی‌نفعان و ذی‌مدخلان)، نه تنها پایدار نیست، بلکه می‌تواند به نتایج معکوسی نیز منجر شود.

- ظرفیت‌سازی و نهادسازی جامع، پایدار و ادواری در راستای مدیریت مشارکتی آبیاری و استفاده از ظرفیت‌های محلی و بومی، پررنگ کردن نقش دهیارهای و شوراهای اسلامی روستاها از طریق دفاتر سازمان‌های مردم‌نهاد استانداری.

- بازنگری ساختار حاکمیتی وزارت نیرو در راستای فرایند انتقال مدیریت آبیاری، اصلاح پست‌های شغلی و تعیین شرح وظایف جدید برای کارکنانی که نقش آنان در این زمینه کمرنگ شده یا به‌طور کلی نقشی ندارند.

- تدوین دستورالعمل شفاف و کاربردی با بهره‌گیری از دیدگاه‌های سه گروه از دست‌اندرکاران تأثیرگذار (وزارت نیرو، وزارت جهاد کشاورزی و دانشگاه) در زمینه سازوکارهای اجرایی، مشاوره‌ای و نظارتی و

سیاسگزاری

این مقاله منتج از رساله دکتری در دانشگاه خوارزمی است که بخشی از هزینه‌های اجرای آن توسط سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی تأمین شده است.

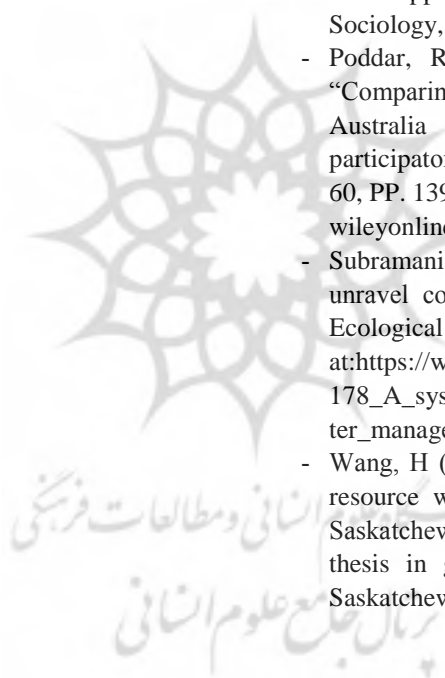
منابع

- بقایی، حمید؛ محمد کردانی؛ مسلم سروستانی؛ لیلا بقایی؛ ابراهیم پروین (۱۳۹۱). چشم‌اندازها و فرصت‌های توسعه پایدار با ورود تشکل‌های آبران در عرصه توسعه جوامع روستایی، مجموعه مقالات همایش ملی توسعه روستایی. استانداری گیلان. شهریور ۱۳۹۱.
- بلالی، محمدرضا؛ شوزف کئولارتز؛ میشل کورتهازل (۱۳۸۹). مدیریت بازتابی اراضی و آب در ایران: ارتباط فناوری، حکمروایی و فرهنگ، قسمت دوم: نگرش ذی‌نفعان و عناصر کلیدی چارچوب بازتابی، مجله پژوهش آب در کشاورزی. جلد ۲۴. شماره ۲. صفحات ۲۰-۱.
- تبریزی، منصوره (۱۳۹۳). تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی، فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۶۴. ۱۳۸-۱۰۵.
- توتاخانه، یوسف؛ یونس آقاپور؛ غلامرضا فانی (۱۳۸۷). نگرشی بر محدودیت‌ها و چالش‌های فراروی تعاونی آبران و راه‌های برون‌رفت از آن در شبکه آبیاری و زهکشی صوفی‌چای، پنجمین کارگاه فنی مشارکت آبران در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی. کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. ۲۶ دی ۱۳۸۷.
- توتونچی، مریم؛ احمدرضا عمانی (۱۳۸۹). تشکل‌های آبران، ساختاری کهن با رویکردی نوین، سومین همایش ملی مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی. دانشگاه شهید چمران اهواز. ۱۰ تا ۱۲ اسفند ۱۳۸۹.
- جاسمی، مدینه؛ لیلا ولیزاده؛ وحید زمان‌زاده؛ فریبا طالقانی (۱۳۹۲). عوامل انگیزشی مؤثر در ارائه مراقبت برگرفته از دید کل‌نگر. یک مطالعه کیفی، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی. دوره ۶. شماره ۶. صفحات ۸۷-۷۷.
- جباری، اسماعیل؛ عباس جنگی‌مرنی (۱۳۸۷). سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی، مجموعه مقالات پنجمین کارگاه فنی مشارکت آبران در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی. کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. ۲۶ دی ۱۳۸۷.
- اجتماعی، علیرضا (۱۳۸۳). بررسی علل عدم توفیق در خصوصی‌سازی شرکت‌های بهره‌برداری از شبکه‌های آبیاری، مجموعه مقالات اولین همایش بررسی مشکلات شبکه‌های آبیاری، زهکشی و مصرف بهینه آب کشاورزی، کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. ۹ تا ۱۰ خرداد ۱۳۸۳.
- احسانی، مهرزاد (۱۳۸۷). درس‌های آموزنده از تجارب جهانی انتقال مدیریت آبیاری، پنجمین کارگاه فنی مشارکت آبران در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی، کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. ۲۶ دی ماه ۱۳۸۷.
- احمدآلی، جمال؛ نادر عباسی؛ نادر حیدری؛ جواد خانی؛ مهدی حامدی‌اصل؛ سجاد شکری؛ یونس نریمانی (۱۳۸۹). بررسی علل عدم استقبال کشاورزان دشت میاندوآب در زمینه ایجاد تشکل آبران، گزارش نهایی پروژه تحقیقاتی. وزارت جهاد کشاورزی.
- احمدآلی، جمال؛ رضا رضایی (۱۳۸۹). بررسی علل عدم استقبال کشاورزان دشت میاندوآب در زمینه ایجاد تشکل آبران، نشریه آبیاری و زهکشی ایران. شماره ۳. جلد ۴. صفحات ۳۹۷-۴۰۷.
- افراخته حسن؛ مریم آرمنند؛ زهرا اطهری (۱۳۹۵). واکوی چالش‌های فراروی صنعت سفال شهر لالجین با به‌کارگیری تئوری بنیانی، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای. سال ۱۴. شماره ۱. پی‌پی ۲۶. صفحات ۱۱۴-۸۹.
- اسلامی، منصوره (۱۳۸۷). نقش و جایگاه بخش دولتی در پایداری و اثربخشی مدیریت مشارکتی آبیاری (نگرشی به تعاونی‌های آبران خوزستان)، پنجمین کارگاه فنی مشارکت آبران در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی. کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. ۲۶ دی ۱۳۸۷.

- حیدری، نادر (۱۳۸۹). شرایط سازمانی و نهادی لازم برای مدیریت مشارکتی آبیاری پایدار (موانع و فرصت‌ها)، گزیده مقالات دهمین سمینار بین‌المللی مدیریت مشارکتی آبیاری. کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. مهر ۱۳۸۹.
- حیدری، نادر؛ سیداحمد حیدریان؛ رضا هاشمی؛ مجید کرامتی؛ رحیم علی‌محمدی؛ حسین دهقانی‌سانج (۱۳۸۸). مباحث اقتصادی-اجتماعی و سیاست‌گذاری-تشکیلاتی در بهبود بهره‌وری آب کشاورزی، گزارش نهایی پروژه تحقیقاتی. وزارت جهاد کشاورزی.
- حیدریان، سیداحمد؛ مرضیه اسلامی (۱۳۸۸). تحولات برون‌زا در ساختار مدیریت سنتی کشاورزی و برنامه نظام بهره‌برداری در طرح‌های توسعه آبیاری، مطالعه موردی: سد و شبکه آبیاری بالاخانلو، سومین کنفرانس ملی تجربه‌های ساخت تأسیسات آبی و شبکه‌های آبیاری و زهکشی. دانشگاه تهران. ۲۹ تا ۳۰ مهر.
- حیدریان، سیداحمد (۱۳۸۹). اصلاحات مدیریت آبیاری در ایران: درس‌های آموخته از ۱۵ سال تجربه داخلی و توصیه‌های لازم برای آینده، گزیده مقالات دهمین سمینار بین‌المللی مدیریت مشارکتی آبیاری. کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. مهر ۱۳۸۹.
- حیدریان، سیداحمد (۱۳۸۸). موانع ساختاری بهبود مدیریت سامانه‌های آبیاری در ایران، مجموعه مقالات دوازدهمین همایش کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. ۵ و ۶ اسفند.
- خیابانی، ناصر؛ سروش باقری؛ امیر بشیری‌پور (۱۳۹۶). الزامات اقتصادی مدیریت منابع آب، نشریه آب و فاضلاب. شماره ۱. صفحات ۴۲-۵۶.
- دهنوی، دل‌آرا (۱۳۸۹). تأسیس تشکل‌های آب‌بران در پروژه‌های ایفاد، گزیده مقالات دهمین سمینار بین‌المللی مدیریت مشارکتی آبیاری. کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. مهر ۱۳۸۹.
- رشتچی، لیدا (۱۳۸۹). بررسی روند مدیریت مشارکتی آبیاری در گیلان، روش‌های اجرایی، تجربیات، ارزشیابی، گزیده مقالات دهمین سمینار بین‌المللی مدیریت مشارکتی آبیاری. کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. مهر ۱۳۸۹.
- رضوی‌عرب، میرکاظم (۱۳۸۹). مشکلات و چشم‌اندازهای مدیریت مشارکتی آبیاری در شرایط مالکیت‌های کوچک با توجه ویژه به اندونزی، گزیده مقالات دهمین سمینار بین‌المللی مدیریت مشارکتی آبیاری. کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. مهر ۱۳۸۹.
- سلیمانی، میرمهدی؛ فریدون کاوه؛ محمدمیثم صبغی (۱۳۸۸). بهترین مدیریت آبیاری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی، مجموعه مقالات دوازدهمین کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. ۵ و ۶ ۱۳۸۸.
- شیخ حسینی، مهرداد؛ عبدالامیر کاکاحاجی؛ سیداحمد سینائی (۱۳۸۵). زمینه‌ها و چالش‌های قانونی در انتقال مدیریت شبکه‌های آبیاری به تشکل‌های آب‌بران (مطالعه موردی: شبکه آبیاری دشت قزوین)، مجموعه مقالات کارگاه فنی مدیریت. بهره‌برداری و نگهداری شبکه‌های آبیاری و زهکشی. ۱۴ کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. دی ۱۳۸۵.
- عربی، عزیزالله؛ مجید محبی (۱۳۸۷). فرایند ایجاد تشکل‌های آب‌بران و چالش‌های مربوطه در شبکه آبیاری و زهکشی دشت عباس، مجموعه مقالات پنجمین کارگاه فنی مشارکت آب‌بران در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی. کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. ۲۶ دی ۱۳۸۷.
- غنیان، منصور؛ مسعود برادران؛ عرفان‌علی میرزایی؛ خدیجه سلیمانی‌هارونی؛ سردار پاشا (۱۳۹۲). مدیریت مشارکتی منابع آب کشاورزی و مؤلفه‌های مؤثر بر آن، مطالعه استان خوزستان. پژوهش آب در کشاورزی. جلد ۲۷. شماره ۲. صفحات ۱۹۰-۱۸۱.

- فانی، غلامرضا؛ سیدعلیرضا حسینزاده تبریزی؛ مرتضی فریان (۱۳۸۸). چالش‌های مدیریت بهره‌برداری و نگهداری شبکه‌های آبیاری و زهکشی، مجموعه مقالات دوازدهمین همایش ملی مدیریت آبیاری در ایران. چالش‌ها و چشم‌اندازها. کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. ۵ و ۶ اسفند ۱۳۸۸.
- قناعت، محسن؛ علیرضا مأمون‌پوش؛ میترا آقابابایی (۱۳۹۲). بررسی ضرورت‌های مشاهده‌شده در جهت آغاز فعالیت‌های بسترسازی مدیریت آبیاری مشارکت‌مدارانه در شبکه آبشار رودخانه زاینده‌رود، نشریه آبیاری و زهکشی. شماره ۱. جلد ۷. صفحات ۹-۱.
- کشاورز، عباس؛ حسین دهقانی‌سانبج (۱۳۸۸). اصلاح سیاست و ساختار در آب و خاک هنری امکان‌پذیر، مجموعه مقالات دوازدهمین همایش ملی مدیریت آبیاری در ایران. چالش‌ها و چشم‌اندازها. کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. ۵ و ۶ اسفند ۱۳۸۸.
- مختاری حصری، آرزو؛ علیرضا نعمتی (۱۳۸۹). انتقال مدیریت آبیاری در پروژه‌های آبیاری کلارا کارالو در جنوب ایالت سولوازی در اندونزی»، گزیده مقالات دهمین سمینار بین‌المللی مدیریت مشارکتی آبیاری. کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. مهر ۱۳۸۹.
- مختاری، داریوش (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی و بازشناسی بن‌بست‌های برون‌رفت از راهکارهای حوزه عمل دستگاه‌های اجرایی آب و خاک کشور؛ کوششی برای گذار از حکمرانی بد آب. فصلنامه مدیریت آب. سال ۴. شماره ۱. صفحات ۸۱-۵۹.
- مختاری، داریوش (۱۳۹۴). مدیریت مشارکتی منابع آب کشاورزی در ایران، جلد ۱. مبانی و درس آموزه‌هایی از تجربه‌ها. شیراز: انتشارات ایلاف.
- معصومی، کاوه (۱۳۸۹). رهیافت مشارکتی برای مدیریت منابع آب زیرحوضه کاتیورنادر ایالت ماهرشتر، گزیده مقالات دهمین سمینار بین‌المللی مدیریت مشارکتی آبیاری. کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. مهر ۱۳۸۹.
- مرتضی‌نژاد، مهدی؛ جعفر یعقوبی؛ عباس ستوده‌نیا؛ مریم داغستانی (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر در موفقیت انتقال مدیریت شبکه آبیاری قزوین به بخش خصوصی، نشریه پژوهش آب در کشاورزی. جلد ۲۸. شماره ۱. صفحات ۱۹۰-۱۸۳.
- مهندسین مشاور پندام (۱۳۸۳). مطالعات بهسازی شبکه آبیاری و زهکشی سفیدرود گیلان، جلد ۲۲. تشکلهای سنتی و مدیریت بهره‌برداری از شبکه‌های آبیاری. نجفی، بهاء‌الدین؛ عبدالرسول شیروانیان (۱۳۸۵). بررسی موانع مشارکت آب‌بران در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی، فصلنامه روستا و توسعه. دوره ۹. شماره ۳. صفحات ۷۵-۵۳.
- نقشینه‌پور، منوچهر؛ منصوره اسلامی (۱۳۸۷). انگیزه و چگونگی تأسیس شرکت کشاورزی جنوب و راز پایداری آن، پنجمین کارگاه فنی مشارکت آب‌بران در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی. کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. ۲۶ دی ۱۳۸۷.
- نیک‌بخت‌شهبازی، علیرضا (۱۳۸۸). بررسی نارسایی‌های موجود و اصلاح مدیریت آب در شبکه‌های آبیاری و زهکشی، مجموعه مقالات دوازدهمین همایش ملی مدیریت آبیاری در ایران، چالش‌ها و چشم‌اندازها. انجمن ملی آبیاری و زهکشی ایران. ۵ و ۶ اسفند ۱۳۸۸.
- APO (Asian Productivity Organization). (2002). "Organizational Change for Participatory Irrigation Management". Report of the APO Seminar on Organizational Change for Participatory Irrigation Management, available at: www.apo-tokyo.org.
- Biradar, B (2012). "Participatory Irrigation management (PIM) :A problematic implementation in Indi Branch Canal (IBC) in Upper Krishna Project in Karnataka". A thesis submitted for the partial fulfillment of the requirements regarding the joint academic degree namely International Master of Science in Rural Development from Ghent University (Belgium), Humboldt University (Germany), Agrocampus Ouest (France), Slovak University of Agriculture (Slovakia) and University of Pisa (Italy) in association with Wageningen University (The Netherlands). available at: edepot.wur.nl/222570.

- Facon, T. (2007). "Performing of Irrigation and Participatory Irrigation Management: Lesson from FAO Irrigation Modernization Programm". available at: www.vncold.vn/Modules/CMS/Upload/13/Documents/...19.../PIMfaconEW.pdf.
- Garces- Restrepo, C.D., Vermillion, D.L., Munoz, G (2007a). "Irrigation Management Transfer; Worldwide Efforts and Results". FAO Water Report, No. 32, Rome.
- Khanal, P. R.(2003). "Participation and governance in Local water Management". A paper based on Author's Doctoral Research in Wageningen University, The Netherlands, available at: edepot.wur.nl/44883.
- Muhr, Thomas (1991). ATLAS/ti-A Prototype for the Support of Text Interpretation, Qualitative Sociology, Vol.9 , No.
- Poddar, R., Quershi, M. & Syme, G. (2011). "Comparing irrigation management reforms in Australia & India- a special reference to participatory management". Irrigation and drainage, 60, PP. 139-150. available at : wileyonlinelibrary.com, DOI:10.1002/ ird.551.
- Subramanian, S. (2008). "A systems approach to unravel complex water management institutions". Ecological Complexity, 5(3), PP.202-215. available at: https://www.researchgate.net/publication/221942178_A_systems_approach_to_unravel_complex_water_management_institutions.
- Wang, H (2013). "Challenge and opportunities for resource water protection plan implementation in Saskatchewan: Lessons for Capacity Building". A thesis in geography and planning, university of Saskatchewan.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی